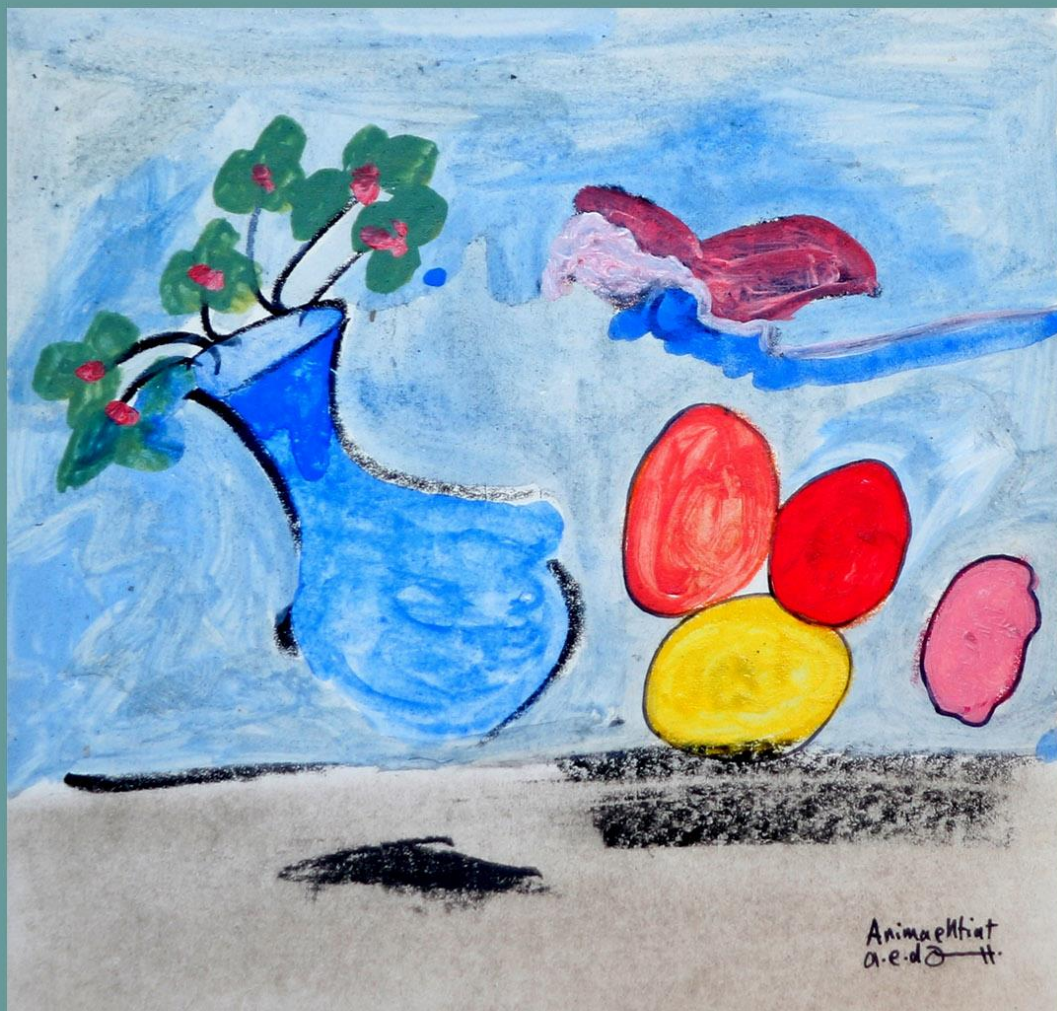


# ایوان ترمه

از کتاب سمفونی‌ها

آنیمه احتیاط



۱۳۸۲

ویرایش و بازنشر: ۱۳۹۹

# ایوان ترمه

از کتاب سمفونی‌های آنیمایا...

شعرهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۲

چاپ ۱۳۸۲

ویرایش و بازنشر: ۱۳۹۹

[www.animaehiat.com](http://www.animaehiat.com)



حلزون سیاه

«سمفونی آنیما»  
(نوا)

## ■ درآمد نوا ( ایوان ترمه )

با تا یا

با تو تا یا

حاشا که از با تو      خیابان را تا      و یا  
دریچه و دره      دریا را در      یا

آیا دوباره      دوشیزه شیزه ریزه مرغابی جان ۱  
زیره و تریاک را هم به سوی کرمان  
با چشم‌های باز  
در کاخ‌های دایره‌ای؟

یا تا با آب آبی      دوشیزه مرغابی  
لباس‌ها تان را بر آویزم از دکل همه دریاها  
تا عطر تننا تننا تنن تا تن شما  
گیج کند پای چوبی دزدان دریایی را      دوشیزه مرغابی جان

---

۱. دوشیزه آن روز با حالت عجیب از من پرسید: «تفاوت کاکتوس با مرغابی در چیست؟»

وقتی که خواب را انگار خواب نیز  
همان ساعت شنی چشم‌های شماست ۱

حالا که سطل‌ها زباله‌ها در خزان پروانه‌ها برای تان  
و در برابر تان عرش را روی عرشه می‌آورم  
و بر شنین شنا شنا شناور شن‌های گزها گون‌ها گوزن‌ها

چهار گوش فصل‌های لاعلاج  
انگار آفتاب مضطرب است گریه‌ام نمی‌آید

و مرده‌ریگ چشم مرا از هند تا چشم‌های ریز فیل  
دوشیزه شیزه ریزه دوشیزه آهو جان  
از سرنوشت می تا کبک‌های کباب شده آوریل ۲

کنار حاشاکه از با تو تننا تننا تننن تا تن شما  
۴۴ مایل به سمت شمال غرب  
بی‌آنکه مادرش او را بزایدم ناخدا  
به من بگو ماه را در توالی جزری که مد نشد ۳

---

۱. پدر بزرگ ساعت شماطه‌دار قدیمی داشت که می‌گفت: «این یادگار پدر بزرگم است»

۲. از می تا ماه آوریل مست بودیم بی‌رحم‌ترین ماه‌ها

۳. جزر و مدهای آن‌جا شدید نبود و این دزدان دریایی را به شك می‌انداخت

آینده آینه با تا یا و برای تان  
دوشیزه آهو مرغابی جان  
لباس هاتان را بر آویزم از بادبان‌ها از دماغه‌های افراشته

جنازه‌های مرا هم زیر تیر پای چراغ و زبان. لال شماست  
خاتون گلابتون  
بر تا کجای رقص‌های گرداب آب آبی مشحون

دوشیزه خاتون گلابتون  
مرغابی آهو جان  
بر پسته‌های دهان بسته داغ  
باطوطی و نبات و لبا لبا لب لعل تو با نوازش نعل همیشه نقره‌ای ام  
نقره داغ اسب لعل‌های مست  
و ساحل همیشه نخل نارگیل و موج بر یال‌های بلند معبد دلفی ۱

لال می‌شود ناخدا و رمال  
با تا یا هوای آب شیرین فرهاد ۱

دریای پای چوبی چوپان حفره‌ها  
سنگین و گرم بر حرارت شن‌های نقره‌داغ  
و بر شنین شناور گزها گوزن‌ها و گور سرد گون‌ها ۲

دوشیزه شیره ریزه مرغابی آهو جان  
از تبت تا نخل‌های رطب  
از لوت تا استوا

تنا تنا تنن تا تن شما  
۴۴ مایل به سمت شمال غرب

و لباس‌هاتان را برآویزم از بادبان‌های آیینه ۳ در آب  
آبی

دوشیزه خاتون گلابتون مرغابی آهو جان

- 
۱. ~ جهان پیراست و بی بنیاد، از این فرهاد کش فریاد که کرد افسون نیرنگش، ملول از جان شیرینم
  ۲. گون‌ها، اکنون مرده‌اند.
  ۳. آن روز یا نمی‌دانم شب، دوشیزه بر دماغه کشتی ایستاده بود. باد موهایش را پریشان می‌کرد.  
رو به من کرد و گفت: «آب آبی دوشیزه خاتون گلابتون مرغابی آهو جان»

## ■ مرکز زمین

باغ

اکنون کاکتوس‌های شن  
حواسِ پرتِ پرسه زن تا آن طرف‌های استکان عینکی‌اش  
چای داغ و چنگ باغ

خامان جان

بر پیچ ساعتی که از آن پوستین از پوست خزه‌ها هم برای تان  
و از پشت شیشه‌های مشجر عینک تان، کیش مات

آفتاب گردان چشم‌های شما

و هر بند انگشت‌هاش درخت خرگوش‌های سفید

تا و بر استعلائی معابد ناخن‌هاست بوی هلال هل  
هلپال  
نقره با نفت



خامان جان

دو ك پشم می ریسانی ام مژه های تان ۱ تا گرد تو تا گردو آهو  
از هر طرف که بیایی جاده می شوی در مه

گرگ و میش بود

هنوز گوساله ها و گوسفندها از طویله هاشان سرازیر نشده بودند

وقتی آسمان از گرگ به میش می گذاشت

هوا بوی گرم شیر تازه دوش می داد

حوالی خروس خوان صبح بود یا نمی دانم که چشم های نیمه بازش

حرارت تابیده از شیشه بر مردمکانش را می نوشید

و خلاصه شده بود میان هسته انگور باغ می

با مشت چشم های آفتاب گردان هاش را مالید

و خمیازه ای طولانی در اضلاع اتاق شناور شد

لحاف هنوز بوی نفت می داد

ولی این بو حالا دیگر عادت شده بود و

ماهیانها هیچ وقت سرگیجه آور نبودند یا حتا سردرد هم

طویله طعم میش تازه تولد می داد

که از لابه لای بوی پهن هم حتا می شود

به خوبی با خطوط راز آمیز سرانگشتانش لمس کرد  
چوب دستی را برداشت

و به اولین خیابان که رسید میش کامل شده بود  
و این مصادف بود با تابلویی که بر آن نوشته بود:  
و ما تا آوریل

مست آفتاب گردان سیب چشم‌های شما می‌خواهیم که باشیم ←

استعلا بر تمام موهای سیخ شده بر پوست

تا آفتابی دیگر برگ کاه بود

یا کوژابند دری که پیزرنی خمیده می‌توانست از آن بی‌تواضع عبور کند  
با رنگ‌های پریده ۱

سوال پیچ شده بود

نمی‌دانست از کجای باید باید شروع شود

شاید همین پیچ خیابان کافی بود

و حتا از پیچ امین الدوله که در دست داشت بر نرده‌های پیچیده

روزی گرم رزوی سرد

حالا دیگر عادت شده بود و بوی خون می‌تا آوریل سال آینده

بر سیب چشم‌هاش سرخ

در آینه کسی می‌دید که دهان به دهان کسی باز و بی‌روزی

با چشم‌های باز غیب می‌دید

و بر درختان سایه‌زاده

امروز هم طویله طعم میش تازه تولدی می داد که از لا به لای بوی پهن پهن هم  
حتما می شد به خوبی با خطوط راز آمیز سرانگشتان لمس کرد  
و باغ اکنون کاکتوس های مرغابی شنی  
خامان جان

هنوز بر پهنه کشتی مو به مو مو به موریا نه های باد می دهی؟  
و عصای دست تراش ساق هات بر دماغه دست می کشد؟

راز این رازیانه را تو فقط

با تا یا  
یا با تو تا در یا  
حاشا که از با تو این گرداب را تا

با کاروان فیل و بادگیر از هند تا یزد چای داغ  
چنگ کاه گلی باغ

و نقره داغ دنیا در دهان ماهی سینه های تان قزل بانو جان

عرش را روی عرشه  
شنا شنا شناور شناها گرها  
گون ها گوزن ها

چارگوش ۱ فصل‌های لاعلاج  
وقتی که آفتاب مضطربی گریه‌ام نمی‌آید  
و مرده‌ریگ شکل مرا از می تا کبک‌های کباب شده آوریل  
دوشیزه شیزه ریزه قزل بانو جان

طوفان شن موهای مومیایی‌ات را ناخدا لوت تا استوا  
تبت تا نخل‌های رطب تننا تننا تننن تا تن شما ۲

دوشیزه شیزه ریزه قزل ۳ آهو جان ۴۴ مایل به سمت جنوب شرق برای تان  
و لباس‌ها تان را بر آویزم از بادبان‌های آئینه در آب  
آبی  
دوشیزه خاتون گلابتون  
مرغابی آهو قزل بانو جان

---

۱. فصل‌ها مربع بودند و سال‌ها دایره.

۲. ~: زان پس بریاد او پرده عشاق ساز / تن تمننا تن تنن تن تمننا تن تنن

۳. ~: پیوسته ماهی در دریا متحیر باشد. اما دریا در آن ماهی متحیر است که بدین بزرگی چگونه است و چیست که در من است؟

■ سیاره های سرخ: این گوشه منابع و ماخذی است که سمفونی بعد از الهام از آنها اجرا شده است. این منابع خود نیز به شکل حاضر در سمفونی اجرا می شوند.

- «دوشیزه مرغابی»، اثر میم باتایا، چاپ چهارم، ۱۳۸۳، نشر دریا  
- «گرگ و میش»، اثر آنیما احتیاط، چاپ اول، ۱۳۷۳، نشر آفتاب گردان  
- «ناخدایی که يك پا کمتر از طوطی داشت»، اثر یکی از دزدان دریایی که در یکی از جنگ‌های دریایی تن به تن کشته شد. آن چه در این متن اجرا شده است مطابق نسخه خطی موزه کوژای فرانسه است. آخرین نشر نهنگ این نسخه نفیس را به دست‌های چاپ سپرده است.

- «سمفونی‌های آنیما یا...»، اثر آنیما احتیاط، چاپ اول، ۱۳۸۲، نشر دریا  
- «خامان جان»، اثر قزل آلا، چاپ هفدهم، ۱۳۱۴، نشر امین الدوله

- «منم کاکتوس‌های شن»، اثر یکی از نویسندگان ایرانی الاصل که کتاب را بی‌نام چاپ کرد. چاپ هشتم، ۱۹۹۹  
نشر تاك. این نویسنده در مصاحبه با خبرنگار شاعره‌ای که در ماه بادیان سال لاعلاج انجام شده بود چنین می‌گوید:  
«بر یکی از پله‌های آنجا ایستاده بودم. ناگهان نطفه طرحی اولیه از این داستان در ذهنم شکل گرفت.  
پیش بینی نمی‌کردم که قرار است شاهکار از آب دربیاید. اما ناگهان بعد به دنیا آمدنش این طور شد:  
«چشم‌ها درشت موها خرمایی آن روز یا نمی‌دانم شب بر دماغه کشتی ایستاده بود  
باد به موهاش طرحی از گرداب‌های ناگهانی می‌داد  
رو به من کرد و گفت:

آب آبی دوشیزه خاتون گلابتون مرغابی آهو قزل بانوجان»

- با ارجاع به حافظ، سنایی، مقالات شمس و تی اس الیوت